

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

درس چهلّم - سر نخ خوب

فیلیپ و پاولا به يك نفر مشکوک شده اند و تصمیم دارند کارشناس لیزر را که در " مرکز اپتیکی شهر " (Optik-Stadt) ینا کار می کند، تحت نظر داشته باشند. علاوه بر این يك فکر خوب به ذهنشان رسیده است که از کجا اطلاعات کسب کنند.

فیلیپ و پاولا می خواهند در Optikwerk سر و گوشی آب دهند. با مصاحبه ای که در نظر دارند انجام دهند می خواهند جواب اولین سوالاتشان را بگیرند. اما سخنگوی مطبوعات فیلیپ و پاولا را رد می کند و به هیچ وجه حاضر به دادن اطلاعات نیست. فیلیپ و پاولا خودشان شروع به تحقیقات می کنند و شاهد اتفاقات مرموزی می شوند.

آقای پروفیسور خوش صحبت تر از سخنگوی مطبوعات است و این بار در باره مکالمه روزمره صحبت می کند: موضوع او جملات کوتاه شده در زبان گفتاری است.

Manuskript der Folge 40

مجرى:

شنوندگان گرامی، درود بر شما. شما را به شنیدن چهلمین بخش از سری برنامه آموزش زبان آلمانی رادیو D دعوت می‌کنم. شما بی‌تردید به یاد دارید که دو خبرنگار ما، فیلیپ و پاولا در شهر ینا هستند و برآنند تا دریابند چه کسی عامل ترور لیزری در آن شهر است. آینه خودروها در اثر پرتوی لیزری شکسته‌اند و آژیر خطر هتل نیز ناگهان به صدا درآمده است.

یان که در دفتر رادیو D در برلین مانده است با شور و هیجان فراوان مایل است بداند که تحقیق همکارانش به کجا رسیده است. و از همین رو او به آنها تلفن می‌کند.

مکالمه تلفنی آنها را بشنوید. با اتکا بر اطلاعات عمومی خود حدس بزنید که درباره LASER یعنی لیزر و LASERSTRAHLEN یعنی پرتو لیزری چه می‌گویند.

Szene 1: In der Redaktion

Philipp

Philipp Frisch, Radio D.

Jan

Hallo Philipp. Lange nichts mehr gehört.

Was macht ihr denn so?

Philipp

Natürlich spazieren gehen, Jan.

Wir gehen gemütlich in Jena spazieren.

Paula

Eine wirklich schöne Stadt!

Aber mal im Ernst: Wir recherchieren noch immer, woher die Laserstrahlen kommen.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Eulalia

Die kommen doch nicht einfach so aus der Luft, oder?

Compu

Natürlich nicht. Sie kommen aus einem Laser, aus einem Gerät.

Philipp

Danke, Compu. Das wissen wir auch. Sicher ist bisher aber nur: Da hat ein Experte seine Finger im Spiel.

Paula

Oder eine Expertin!

Jan

Na – dann noch viel Erfolg!
Tschüs!

مجری:

فیلیپ و پاولا سرگرم تحقیق بر سر این موضوع هستند که این پرتو لیزری از کجا می‌آید.

Paula

Wir recherchieren noch immer, woher die Laserstrahlen kommen.

مجری:

پرتوهای لیزری در هوا هم چون پرتوهای نوری به نظر می‌آیند. اما این به آن معنی نیست که پرتوهای لیزری به همین سادگی از LUFT یعنی از هوا می‌آیند.

Eulalia

Die kommen doch nicht einfach so aus der Luft, oder?

مجری:

کومیو که فردی آشنا به امور فنی است، اشاره می‌کند که پرتوهای لیزری توسط یک GERÄT یعنی یک دستگاه تولید می‌شوند.

Compu

Natürlich nicht. Sie kommen aus einem Laser, aus einem Gerät.

مجری:

و این موضوع را البته فیلیپ و پاولا نیز می‌دانند. این پرسش یان که فیلیپ و پاولا اینک چه می‌کنند را فیلیپ ابتدا پرسشی تحریک‌آمیز ارزیابی می‌کند. البته باید گفت که جمله‌بندی و لحن پرسش یان تا حدودی نشان از سهل‌انگاری و بی‌دقتی دارد.

Jan

Was macht ihr denn so?

مجری:

اما واکنش فیلیپ چنان تند و عصبی است که باعث تعجب من شد. شاید هم ناراحتی فیلیپ حتی پیش از تلفن یان بیشتر ناشی از آن بوده که تحقیقات او و پاولا هنوز راه به جایی نبرده است. به هر حال او با کنایه پرسش یان را چنین پاسخ می‌گوید که او و پاولا راحت و بی‌خیال سرگرم قدم زدن هستند.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Philipp

Natürlich spazieren gehen, Jan.
Wir gehen gemütlich in Jena spazieren.

مجری:

و پاولا نیز کنایه آمیز می‌افزاید که بنا واقعا شهر زیبایی است. اما آنگاه تغییر لحن داده و به طور جدی پیرامون نتایج تحقیقات سخن می‌گوید.

Paula

Eine wirklich schöne Stadt!
Aber mal im Ernst: Wir recherchieren noch immer, woher die Laserstrahlen kommen.

مجری:

تا این لحظه، فیلیپ و پاولا از یک نکته کاملاً مطمئن هستند: اینکه این پرتوی لیزری چنان قوی است که می‌بایست کار یک متخصص باشد – یک مرد یا یک زن.

Philipp

Sicher ist bisher aber nur: Da hat ein Experte seine Finger im Spiel.

Paula

Oder eine Expertin!

مجری:

یاز برای آنها آرزوی موفقیت می‌کند.

Jan

Na – dann noch viel Erfolg!
Tschüs!

مجری:

و فیلیپ و پاولا به سوی یکی از کارخانه‌های بزرگ عدسی‌سازی ینا به راه می‌افتند. آنها بر این باورند که به هر روی کارشناسان از چنین محلی می‌توانند بیابند. و برای روشن شدن موضوع، فیلیپ و پاولا می‌بایست این امکان را بیابند که با یکی از شاغلین این مجتمع صنعتی وارد گفت‌وگو شوند. به این صحنه گوش کنید.

Paula

Hallo, liebe Hörerinnen und Hörer.

Philipp

Willkommen ...

Paula

... bei Radio D.

Philipp

Radio D ...

Paula

... das Interview.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

مجری:

پاولا و فیلیپ با چه مکر و حیله‌ای تلاش می‌کنند اطلاعات بیشتری کسب کنند؟ آیا در این کار توفیقی هم دارند؟

Szene 2: Im Optikwerk

Dame

Guten Tag.

Philipp

Guten Tag.

Paula

Guten Tag.

Philipp

Wir sind von Radio D.

Wo ist bitte die Pressekonferenz?

Dame

Pressekonferenz?

Was für eine Pressekonferenz meinen Sie?

Paula

Zum Laserterror.

Dame

Davon weiß ich gar nichts. Einen Moment bitte.

Hier sind zwei Journalisten. Sagen Sie mal, haben wir hier heute eine Pressekonferenz?

Dame

Ach, Sie wissen auch nichts? Hab ich mir schon gedacht. Aber ist doch komisch. Na ja, vielen Dank erst mal.

Paula

Und jetzt?

Philipp

Wir machen ein Interview.

Paula

Was für ein Interview?

Dame

Danke. Alles klar.

Bitte warten Sie noch einen Moment.

Mann

Guten Tag. Was kann ich für Sie tun?

Paula

Wir haben ein paar Fragen zum Laserterror hier in Jena.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Mann

Was für ein Terror?

Paula

Laserterror.

Philipp

Was für eine Rolle spielt Ihr Optikwerk?

Mann

Ich bitte Sie, wir spielen überhaupt keine Rolle.

Philipp

Aber bei Ihnen arbeiten viele Laserexperten.

Mann

Ach wissen Sie, wir haben hier natürlich viele Laserexperten, aber keiner macht einen solchen Unsinn.

Paula

Das Problem ist aber doch ...

Mann

Was für ein Problem meinen Sie? Ich verstehe Sie nicht ganz.

Also, Sie müssen mich jetzt bitte entschuldigen.

Paula und Philipp

Vielen Dank.

Vielen Dank. Auf Wiedersehen.

مجری:

اگر موفق به شنیدن و فهم دو کلمه بین‌المللی PRESSE یعنی مطبوعات و KONFERENZ یعنی کنفرانس شده باشید، متوجه حيله و مکر پاولا و فیلیپ هم شده‌اید: آنها به این کارخانه عدسی‌سازی می‌روند و طوری وانمود می‌کنند که گویا آنجا قرار است یک کنفرانس مطبوعاتی برگزار شود.

Dame

Guten Tag.

Philipp

Guten Tag.

Paula

Guten Tag.

Philipp

Wir sind von Radio D.

Wo ist bitte die Pressekonferenz?

مجری:

فیلیپ و پاولا با چنین ایده‌ای دستکم موفق می‌شوند زنی را که مسول پذیرش مراجعه کنندگان است، گیج کنند تا او مقدمات گفت‌وگو با یکی از سخنگویان مطبوعاتی مجتمع را فراهم کند.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

اما متأسفانه این شیوه نیز منجر به کسب اطلاعات بیشتری نمی‌شود. چون سخنگوی مطبوعاتی مجتمع به گونه‌ای مودبانه ولی با قاطعیت از آنها طلب پوزش می‌کند. و این در واقع به معنی آن است که او فرصت گفت‌وگو با آنها را ندارد.

Mann

Also, Sie müssen mich jetzt bitte entschuldigen.

مجری:

بله، این طور به نظر می‌رسد که آنها با یک فرد حرفه‌ای سروکار دارند. پاولا و فیلیپ پرسشهایی مطرح می‌کنند و سخنگوی مطبوعاتی کارخانه این پرسش‌ها را یا با پرسش پاسخ می‌گوید و یا نفی می‌کند، البته با لحنی دوستانه و در عین حال قاطع. ما نگاهی گذرا به پرسش و پاسخ بین آنها می‌افکنیم.

Paula

Wir haben ein paar Fragen zum Laserterror hier in Jena.

Mann

Was für ein Terror?

مجری:

پاولا مایل است درباره مشکلی که پدید آمده است حرف بزند، ولی آن مرد سخن او را قطع می‌کند و متقابلاً می‌پرسد که سخن بر سر چه مشکلی است.

Paula

Das Problem ist aber doch ...

Mann

Was für ein Problem meinen Sie?

مجری:

فیلیپ از نقش این مجتمع عدسی‌سازی در ایجاد پرتوهای لیزری می‌پرسد و آن مرد با تأکید می‌گوید که این مجتمع هیچ نقشی در این ماجرا ندارد.

Philipp

Was für eine Rolle spielt Ihr Optikwerk?

Mann

Ich bitte Sie, wir spielen überhaupt keine Rolle.

مجری:

این سخنگوی مطبوعاتی نقش کسی را ایفا می‌کند که اطلاعی از هیچ چیز ندارد. تنها کسی که صادقانه پرسشی را پاسخ می‌دهد، همان خانمی است که در بخش پذیرش مراجعه کنندگان نشسته است. او از وجود کنفرانس مطبوعاتی ابراز بی‌اطلاعی می‌کند و می‌گوید: "من چیزی در این باره نمی‌دانم."

Dame

Davon weiß ich gar nichts.

Einen Moment bitte.

مجری:

فیلیپ و پاولا همچنان حدس می‌زنند که این مجتمع عدسی‌سازی شاید نقشی در ماجرای ترور لیزری داشته باشد. اما پیش از آن که آنها بتوانند بر سر حدس و گمان خود تأمل بیشتری کنند، چیزی آنها را غافلگیر می‌کند. گوش کنید، چه چیزی باعث غافلگیری آنها می‌شود.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Szene 3: Vor dem Optikwerk

Paula

Oh Mann, jetzt wissen wir auch nicht mehr als vorher.

Philipp

Leider hast du Recht.

Paula

Philipp, hast du das gesehen?
Da war wieder ein Laserstrahl. Der kam doch direkt hier aus dem Optikwerk?!

Philipp

Vielleicht aus dem Labor?
Wie kommen wir da bloß rein?

Paula

Philipp – jetzt brauchen wir Eulalia!

Eulalia

Bin schon da!

مجری:
هنوز پاولا آرزوی خود مبنی بر حضور اوایلیا را به زبان نیاورده است که در کمال حیرت می‌بیند که اوایلیا از راه می‌رسد. علت این که چرا پاولا آرزوی حضور اوایلیا را کرده بود، برای من روشن نیست. اما این موضوع در ارتباط با پرتوی لیزری است که فیلیپ و پاولا دیده‌اند. پرتویی که آشکارا از این مجتمع عدسی‌سازی متصاعد می‌شود، شاید از بخش آزمایشگاه این مجتمع.

Paula

Philipp, hast du das gesehen?
Da war wieder ein Laserstrahl. Der kam doch direkt hier aus dem Optikwerk?!

Philipp

Vielleicht aus dem Labor? Wie kommen wir da bloß rein?

مجری:
و به نظر می‌رسد که پاولا ایده‌ای دارد که می‌تواند باعث پیشرفت در تحقیقات آنها شود. اما حال نوبت به پروفیسور مان می‌رسد.

Paula

Und nun kommt – unser Professor.

Philipp

Radio D ...

Paula

... Gespräch über Sprache.

پروفیسور:
شما شنوندگان گرامی حتما متوجه شدید که در زبان محاوره‌ای اغلب بخش‌های معینی از جمله حذف شده و بیان نمی‌شوند.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

مجری:

و ما در این رابطه می‌توانیم مثالی بزنیم. خانمی که مسوول پذیرش مراجعه کنندگان در این مجتمع عدسی‌سازی است، دو بار از فیلیپ و پاولا تقاضا می‌کند که لحظه‌ای صبر کنند. او یک بار جمله را کامل بیان می‌کند و بار دیگر این جمله را به اختصار می‌گوید.

Sprecherin

Bitte warten Sie noch einen Moment.
Einen Moment bitte.

پروفسور:

در بیان مختصر جمله، فاعل و فعل حذف شده‌اند، اما خواهش وی کاملاً قابل فهم است، چون **فحوای کلام** روشن است. به مثال دوم در این رابطه توجه کنید.

Sprecherin

Eine wirklich schöne Stadt.

مجری:

در اینجا هم می‌توان متوجه شد که منظور چیست، و البته از طریق آن چیزی که پیش از آن بیان شده است.

Sprecher

Wir gehen gemütlich in Jena spazieren.

Sprecherin

Eine wirklich schöne Stadt.

پروفسور:

بیان جامع و کامل این جمله می‌توانست چنین باشد: "ینا واقعا شهر زیبایی است"، اما در متن یک گفت‌وگو می‌توان آن را چنین به اختصار بیان کرد: "یک شهر واقعا زیبا".
به این مثال سوم گوش کنید و سعی کنید ببینید که کدام عناصر جمله را شما می‌توانید به گونه‌ای **خودکار** در ذهن خود به این مثال بیافزایید. از این رو این وضعیت را در ذهن خود متصور شوید: یان مایل است بداند که فیلیپ و پاولا تا کنون از تحقیقات خود به چه نتیجه‌ای رسیده‌اند. او به فیلیپ تلفن می‌کند.

Sprecher

Hallo Philipp. Lange nichts mehr gehört.

مجری:

یان البته می‌توانست به عنوان مثال همین جمله را به شکل جامع‌تری بیان کند و بگوید: "من مدت‌هاست که چیزی از تو و پاولا نشنیده‌ام."

Sprecher

Ich habe lange nichts mehr von dir und Paula gehört.

پروفسور:

فاعل و فعل. و در مثال آخر حتی مفعول با واسطه نیز در گفت‌وگویی محاوره‌ای حذف می‌شوند. و این موضوع تنها آنگاه که فحوای کلام و وضعیت واقعا روشن باشد، مانع از فهم در گفت‌وگو نمی‌شود.
و البته این با حالتی که کسی وسط حرف دیگری ببرد و سخن او را **قطع** بکند، تفاوت دارد.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Sprecherin

Das Problem ist aber doch ...

Sprecher

Was für ein Problem meinen Sie?

مجری:

این روشن است که سخنگوی مطبوعاتی این کارخانه عدسی‌سازی نمی‌خواهد چیزی پیرامون مشکل بشنود.

پروفسور:

دقیقا، در این مثال ما متوجه نمی‌شویم که پاولا مایل به سخن گفتن از کدام مشکل بوده است. این چنین است که می‌توان گفت، این بیان اختصاری یک جمله نیست، بلکه جمله‌ای ناقص و ناکامل است.

مجری:

با سپاس فراوان از شما، آقای پروفسور. در برنامه بعد خواهید شنید که فیلیپ و پاولا برای انجام چه کاری این چنین به اوایلیا احتیاج دارند.

Paula

Bis zum nächsten Mal, liebe Hörerinnen und Hörer.

Philipp

Und tschüs.

آنچه شنیدید سری دوم آموزش زبان آلمانی رادیو D بود، تهیه شده توسط انستیتو گوته و رادیو دوپچه وله

Herrad Meese

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle